

سفر چهار روزه دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین الملل به روسیه بیش از هر چیز نشانه‌ای از تحول راهبردی در روابط تهران و مسکو است. این تحول در روابط بیش از آنکه جنبه سیاسی یا امنیتی داشته باشد، دارای جنبه اقتصادی است و این در حالی است که فشار آمریکا به شرکت‌های غربی طرف قرارداد اقتصادی و مالی با ایران -پس از خروج ۱۸ اردیبهشت ۹۷ دونالد ترامپ از برجام- تصویری از آغاز یک بن‌بست شکننده اقتصادی علیه ایران ارائه می‌داد و مقامات آمریکایی با پیوست یک بسته پر قدرت رسانه‌ای و توسل به جنگ روانی سعی کردند آن را حتمی و «بسیار نزدیک» جلوه دهند.

اولین بازتاب سفر دکتر ولایتی به مسکو در این نقطه تمرکز داشت که به موازات به بن‌بست رسیدن روابط تجاری ایران با کشورهای هم‌پیمان آمریکا و نیز در حالی که ایران به‌طور آشکار از بسته پیشنهادی اروپا که روز جمعه ۱۵ تیر توسط فدریکا موگرینی، نماینده عالی اتحادیه اروپا «رونمایی» و «رمززدایی» شد، سرخورده شده بود، بیان‌کننده «راه تازه»ای پیش روی جمهوری اسلامی بود.

اما با این وجود رسانه‌های غربی و صهیونیستی و... مخالف ایران به‌طور عمد و عمدتاً روی جنبه‌های غیراقتصادی سفر فرستاده ویژه رهبر مقام معظم انقلاب و رئیس جمهور تمرکز کردند و متأسفانه در ایران نیز اکثر رسانه‌ها اعم از آنان که به اردوگاه اصلاح طلبان تعلق داشتند و آنان که متعلق به اردوگاه اصولگرایان بودند، به‌طور عمد یا سهو جنبه‌های اقتصادی سفر ولایتی را به حاشیه رانده و روی بحث‌های امنیتی و به‌خصوص بحث سوریه تمرکز کردند! کافی بود این رسانه‌ها به مواضع عمدتاً مشترک ما و روسیه در پرونده سوریه توجه می‌کردند تا دریابند «پرونده امنیتی سوریه» یک مشکل بین تهران و مسکو نیست تا برای حل و فصل آن نیازی به گسیل نماینده ویژه ایران به روسیه باشد.

ایران و روسیه در پرونده امنیتی و سیاسی سوریه اختلاف عمده‌ای ندارند، البته همیشه در چنین مواردی روی جزئیات پرونده دیدگاه‌ها الزاماً یکی نیستند اما همه می‌دانند که از یک‌سو تهران و مسکو روی اصول و مهمات پرونده امنیتی و سیاسی سوریه کاملاً توافق دارند و از سوی دیگر تیم‌های سیاسی و امنیتی ایران در تماس نزدیک و دائمی با یکدیگر هستند و به‌طور مداوم روی جزئیات در حال تبادل آرا و توافق هستند. ایران و روسیه، حداقل از آبان ۱۳۹۴ کار مشترک نظامی را با یکدیگر در سوریه شروع کردند و در تداوم راه به مذاکرات پیوسته «آستانه» و «سوچی» رسیدند تا آنگنگ مشترکی را برای حل امنیتی و سیاسی بحران روسیه پیدا کردند.

جالب این است که در راس رسانه‌هایی که مذاکرات ولایتی-پوتین را به موضوع سوریه مرتبط و متمرکز دانستند، رسانه‌های رژیم صهیونیستی شامل تلویزیون اسرائیل، هآرتص و اسرائیل هیوم بودند؛ در این میان تایمز اسرائیل مدعی شد که سفر ولایتی به مسکو از نگرانی ایران از دیدار آتی پوتین و ترامپ و نتایج ناشی از آن بر پرونده امنیتی سوریه و به‌خصوص بحث حضور نظامی ایران در سوریه حکایت می‌کند. این در حالی است که پیش از این ولادیمیر پوتین باصراحت به مقامات آمریکا و اسرائیل گفته بود که مسکو خروج نیروهای نظامی ایران از سوریه را سبب بازگشت تروریست‌ها و از بین رفتن دستاوردها می‌داند و با آن مخالف است. این موضوع به‌طور رسمی و رسانه‌ای نیز اعلام شده بود.

اما تمرکز روی بحث اقتصادی و همکاری‌های فعال، پر حجم و درازمدت در این حوزه بود که سفر دکتر ولایتی به مسکو را «راهبردی» کرد. پیش از این روابط ایران و روسیه در ابعاد نظامی و امنیتی در نقطه «راهبردی» با نزدیک به آن قرار داشت. روابط باثبات نظامی و امنیتی ایران و روسیه در پرونده‌های امنیتی منطقه و به‌خصوص در پرونده سوریه یک نقص عمده و غیرقابل قبول داشت و آن تک‌بعدی بودن رابطه راهبردی دو کشور بود. طی سه سال گذشته همیشه این انتقاد وجود داشت که محدود بودن روابط تهران- مسکو به جنبه‌های امنیتی می‌تواند آسیب‌پذیر باشد و به رابطه‌ای مقطعی و اقتضایی تبدیل شود. از این رو اندیشمندان دوطرف روی چند وجهی کردن این رابطه راهبردی تاکید داشتند.

اما جالب این است که در طول این سال‌ها و حتی در طول دو دهه

تحلیل

آنج‌ه اروپا باید به آن بیندیشد

آنج‌ه اروپا باید به آن بیندیشد

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی در امور بین‌الملل، در مسکو و در دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، پیام رهبر انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور را تسلیم رئیس‌جمهور روسیه کرد. آقای ولایتی درخصوص این دیدار چنین گفت: «این ملاقات حدود دو ساعت طول کشید که بسیار سازنده و روشن و صمیمانه بود و درباره همه موضوعات مورد علاقه دو کشور صحبت شد.»

وی همچنین گفت: «مقام معظم رهبری به رابطه ایران و روسیه به‌عنوان رابطه‌ای راهبردی از دیرباز نگاه می‌کنند و سیاست ایران تحت اشراف رهبری دنبال می‌شود. آقای پوتین هم این اعتقاد را دارند. خود آقای پوتین طبق آماری که داشتند گفتند در چهار ماهه اول سال ۲۰۱۸، میزان تبادلالت تجاری بین دو کشور ۳۶ درصد افزایش داشته است.»

دکتر ولایتی در شرح موضوعات مورد بحث بین طرف ایرانی و طرف روس نیز از مسائلی چون نفت، همکاری‌های منطقه‌ای و همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بین دو کشور نام برد و اضافه کرد: «آقای پوتین در این دیدار بر گسترش روابط نفتی دو کشور تاکید کرد و گفت که روسیه آمادگی سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در حوزه نفت و گاز ایران را دارد و می‌تواند به‌خوبی جایگزین شرکت‌هایی باشد که ایران را ترک کردند.»

شرایط و پیش‌زمینه دیدار

روایت آقای دکتر ولایتی از دیدار با پوتین، روایت از دیداری موفق است که ابعاد گسترده‌ای از بحث‌های مربوط به همکاری‌های اقتصادی را دربر می‌گیرد. این دیدار در شرایطی صورت گرفت که:

۱- ایران و روسیه همکاری نسبتاً موفقی را در بحران سوریه داشته‌اند. این همکاری اگرچه فراز و نشیب‌هایی داشته، اما در مجموع در نیل به اهداف اصلی خوداز جمله شکست تروریسم تکفیری در این کشور و تثبیت دولت قانونی سوریه موفق بوده است.

۲- دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در تاریخ

درباره روابط اقتصادی و سیاسی با همسایه شمالی ایران

چرا سفر ولایتی به مسکو استراتژیک بود؟



اخیر روسیه بر چند بعدی کردن رابطه رو به رشد دو کشور تاکید داشت ولی در ایران نگرش‌های سنتی که علی‌الدوام با اشاره به «تاریخ دور» بر بدگمانی ایران از نیت روسیه و نتایج رابطه اقتصادی با آن می‌دمیدند، مانع حرکت دولت به سمت محور شرق می‌شد. انتظار بیش از حد و غیرواقع‌بینانه دولت ایران از برجام و شرکای آمریکایی و اروپایی و به‌خصوص شرکای اروپایی عملاً زمان را به ضرر منطقی کردن روابط تجاری میان ایران و روسیه پیش برد و فرصت‌هایی را هدر داد، در حالی که به موازات خوش‌باوری نسبت به غرب، اروپایی‌ها عملاً دولت ایران را در اتاق انتظار نشاندهند و دست آخر به ایران یادآور شدند که در مواجهه با تهدیدات جدید آمریکا، بیش از ابراز همدردی با ایران کاری از دست‌شان ساخته نیست.

نتیجه مذاکرات ماه‌های اخیر ایران با اروپا هر چند برای کشورها «تلخ» بود اما یک موهبت بزرگ را نیز در متن خود داشت؛ ایران باید جمع‌بندی تازه‌ای از کار با اروپا پیدا کند و این جمع‌بندی می‌تواند به خطای راهبردی ما در اصرار بر تمرکز روی رابطه با اروپا پایان دهد. حداقل نتیجه مذاکرات ماه‌های اخیر ایران و اروپا و سرنوشت آن باید این باشد که رابطه با اروپا باید در کنار بسته‌ای از روابط ایران با جهان دیده شود و وزن واقعی و عملی اروپا در این رابطه منظور شود.

دولت ایران اینک پس از آنکه رئیس‌جمهور محترم نتایج مذاکرات با اروپا را «مأیوس‌کننده» خواند، علی‌القاعده باید بیشتر به آسیا، قاره‌ای که در متن آن قرار داشته و با سنت‌های آن قرابت دارد، نگاه کند و اگر می‌خواهد روابط با اروپا را ادامه دهد از پشتوانه رابطه فعال اقتصادی و سیاسی آسیا برخوردار باشد تا طرف‌های اروپایی دریابند که باید



شنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۷ - ۳ ذیحده ۱۴۳۹ - ۱۷ جولای ۲۰۱۸ - شماره ۲۵۴۱

درباره روابط اقتصادی و سیاسی با همسایه شمالی ایران

چرا سفر ولایتی به مسکو استراتژیک بود؟



رابطه با شرق اگرچه همه کشورهای آسیایی و حتی طیفی از کشورهای غیرآسیایی را شامل می‌شود، اما در یک نگاه نزدیک می‌تواند به سه کشور قدرتمند روسیه، چین و هند ترجمه شود. این سه کشور از دو بعد ظرفیت واردات و توانمندی‌های صادراتی به کل بلوک غرب شامل آمریکا، اروپا و شرکای آسیایی آن غلبه دارد

این همسایگان در مبادلات تجاری ما می‌توانند لااقل سه میلیارد دلار باشد و این در حالی است که هم‌اینک مبادلات تجاری ما با ترکیه حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده و سهم عراق در این مبادلات تجاری از مرز هشت میلیارد دلار عبور کرده است. این مبادلات تجاری از ارزی-دروضع حداقلی-درمجموع می‌تواند لااقل ۳۰ میلیارد دلار در سال باشد و این عدد در صورت اصلاح زیرساخت‌های تجاری ما

در یک دوره سه تا پنج سال می‌تواند به ۶۰ میلیارد دلار افزایش یابد. این مبادلات تجاری می‌تواند با به رسمیت شناختن پول هر کدام از کشورها توأم باشد و از این طریق ضمن رها شدن نسبی از سیطره دلار و یورو می‌توان به افزایش دائمی و چشمگیر ارزش و توان «ریال» دست پیدا کرد. چنین رابطه‌ای می‌تواند جنبه دائمی داشته باشد و از سیاست‌های خصمانه دشمنان فرامنطقه‌ای ما به دور باشد. کشور جمهوری آذربایجان یک مثال است. آمریکا و رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر تلاش زیادی کرده‌اند تا مانع گرم شدن روابط تهران-باکو شوند و در مقاطعی هم سبب کاهش روابط دو کشور شدند. اما هم‌اینک به دلیل رخدادهایی که در محیط پیرامونی آذربایجان پیش آمد، این جمهوری به تقویت رابطه با جمهوری اسلامی رغبت بیشتری نشان داده و روابط دو کشور در مسیر رو به رشد قرار گرفته است.

نگاه به شرق

رابطه با شرق اگرچه همه کشورهای آسیایی و حتی طیفی از کشورهای غیرآسیایی را شامل می‌شود، اما در یک نگاه نزدیک می‌تواند به سه کشور قدرتمند روسیه، چین و هند ترجمه شود. این سه کشور از دو بعد ظرفیت واردات و توانمندی‌های صادراتی به کل بلوک غرب شامل آمریکا، اروپا و شرکای آسیایی آن غلبه دارد و از این رو حتی اگر ایران ناگزیر به چشم‌پوشی از روابط اقتصادی با غرب شود، می‌تواند به‌راحتی و با برخورداری از بهره فراوان‌تر به شرق تکیه کند. شرق می‌تواند در رشد صادرات ایران و کاهش هزینه‌های واردات مان نقش کلیدی بازی کند و این به زمان طولانی نیاز ندارد.

کار مشترک در حوزه انرژی

بر اساس توافق اولیه میان ایران و روسیه که در سفر دکتر ولایتی انجام شد، روسیه آمادگی دارد که در حوزه نفت و گاز سقف مناسبات تجاری با ایران را به ۵۰ میلیارد دلار در سال برساند. این در حالی است که اکنون سهم نفت و گاز در مرادوات تجاری خارجی ما ۵۰ درصد و در واقع عدد آن بین ۴۰ تا ۶۰ میلیارد دلار است. روسیه آمادگی دارد و این آمادگی با تجربه نیز توأم است که در یک قرارداد درازمدت، نقش عمده‌ای در ثبات‌بخشی به صادرات نفت و گاز ایران را بر عهده بگیرد و این مبادلات را با پذیرش «ریال» به‌عنوان یک ارز معتبر انجام دهد، کم‌البتحک ما نیز می‌توانیم در این مرادوات تجاری، «ریل» را به‌عنوان ارزی جایگزین دلار و یورو بپذیریم. باید به این موضوع آمادگی روسیه برای خرید محصولات کشاورزی و باغی ایران را اضافه کرد که این می‌تواند تا ۲۰ میلیارد دلار توسعه پیدا کند و به کشاورزی ایران رونق و ثبات بخشد.

با توجه به تجربه روسیه و رتبه اولی که در ساخت نیروگاه‌های بزرگ و کوچک دارد، ایران می‌تواند با بهره‌برداری از ظرفیت روسیه به یک کشور صادرکننده عمده برق تبدیل شود و از سوی دیگر، نیروگاه‌های کوچک می‌توانند در سواحل جنوبی ما احداث شوند و از این طریق ضمن غلبه بر مشکل کم‌آبی می‌توانیم به کشاورزی در جنوب کشورمان جان تازه‌ای بدهیم و بخش وسیعی از جوانان جویای کارمان را به کاری شرافتمندانه برسانیم و معضل کنونی بیکاری جوانان خود را در زمانی کوتاه حل کنیم.

از طریق همکاری با روسیه و به کارگیری ظرفیت آن می‌توانیم از ظرفیت بازار کشورهای اوراسیا شامل خود روسیه، بلاروس، ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان و... بهره‌مند شویم و از آنجا که چنین رابطه‌ای کمتر تحت تاثیر سیاست‌های غرب قرار می‌گیرد می‌تواند سیاست‌های مهارگیرانه غرب و دول منطقه‌ای مرتبط با آن را خنثی کند.

سفر دکتر ولایتی به روسیه که البته اولین گام ما در راهبردی کردن رابطه ایران و همسایه بزرگ شمالی مان نیست، می‌تواند یک حلقه مهم شکل دهنده به قدرت‌مان در عرصه بین‌الملل باشد. برای رسیدن به این نقطه راه همواری پیش رو نداریم اما اگر عزم ملی ما برای اولویت‌بخشی به «نگاه به شرق» جزم شود، این مسیر در دوره‌ای نسبتاً کوتاه طی شدنی است.

منبع: فارس



بتواند خواسته‌های ایران را برای ادامه همکاری در برجام تأمین کند.»

وی تصریح کرد: «متأسفانه در بسته پیشنهادی ارائه‌شده راهکار عملیاتی و شیوه مشخصی برای ادامه همکاری‌ها وجود نداشت و یکسری تعهدات کلی در حد بیانیه‌های سابق اتحادیه اروپا عنوان شده بود.» این کلی‌گویی اروپایی‌ها هنگامه با گستاخی نیز همراه می‌شود، تا آنجا که زان ایوه لودریان، وزیر خارجه فرانسه از ایران می‌خواهد تا دست از تهدید به خروج از توافق هسته‌ای بردارد.

با نگاه ایران به شرق، اروپا باید به این بیندیشد که ایران دنبال جایگزین‌هایی است که از جدیت بیشتری برخوردارند و اگر اروپا نتواند خواسته‌های تهران را برآورده کند، این رقیب راهبردی آنها خواهد بود که روابط راهبردی مورد باور تهران و مسکو را تقویت خواهد کرد و از فرصت‌های آتی در بازارهای ایران بهره خواهد برد.

در شرایط فعلی، روسیه که خود تحریم‌شده توسط غرب است، می‌تواند در غرب آسیا چشم به یک شراکت راهبردی طولانی‌مدت با ایران بدوزد و ایران نیز می‌تواند با استفاده از این شراکت، بخش قابل توجهی از تهدیدهای غرب را به فرصت بدل کند. سفر روحانی به چین و ولایتی به مسکو، حرف‌های زیادی می‌تواند در آینده داشته باشد.

منبع: تسنیم